



مسیحیت و تقدس هنر خوشنویسی

مریم فدایی تهرانی

کارشناس ارشد هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

Maryamft2003@yahoo.com

چکیده

دین مسیح برای هنر نگارش ارزش قایل است زیرا مانند هنر خوشنویسی اسلامی معتقدند این هنر برای تجسم بخشی به کلام الهی بکار رفته و جزو هنرهای مقدس است از عوامل اصلی مقدس ان موضوع کلام، حروف، اعداد، قلم میباشد که محتوای معنوی آنها در قران بیان شده و دین مسیح به دلیل ماهیت خاص هنردینی خود که به تمثال سازی، نقاشی و معماری کلیسا جنبه تقدس می دهد به ان کمتر توجه کرده است اما این موضوع مانع اثبات اهمیت دینی هنر خوشنویسی متون مقدس مسیح نمیشود چون اصل تقدس این هنر کلام الهی است که ادیان مسیح و اسلام هردو به ان معتقدند و به موضوع افرینش بر اساس ان اشاره دارند تقدس خوشنویسی مسیحی در اعتقادات عرفانی صاحب نظران ان دیده میشود زیرا بحث های مشترکی با دین اسلام دارند مانند لوگوس و افرینش هستی با کلام خدا و مهمترین ان محتوای مقدس متون مقدس است دین مسیح به دلیل ماهیت تجسد گرایی هنر خود که ریشه در کالبد مسیح ع دارد از هنر خوشنویسی به عنوان هنر مقدس یاد نمی کند و این هنر به منزله حفاظت از متن انجیل مهم شمرده میشود اما ارزش معنوی ان را نادیده نگرفتند و بحث های زیبایی برای اشتراک گذاری دلایل مقدس با دلایل آنچه در خوشنویسی اسلامی دیده میشود دارند مانند حروف لاتین، قلم، کتاب، علم حروف و مبشرین دین در نتیجه با استفاده از ابزار مقدس هنر خوشنویسی ردپای عوامل تقدس گرایی در هنر خوشنویسی لاتین شناسایی و تحلیل میشود.

واژه گان کلیدی: هنر مسیحی، خوشنویسی مسیحی، تقدس خوشنویسی مسیحی.



Christianity and the holiness of the art of calligraphy

Maryam fadaei

m.s,art,

the school of art, al Zahra university, Tehran,iran.

Maryamft2003@yahoo.com

Abstract

The religion of Christ to the art of calligraphy cares because the hand of Christ believes the art of calligraphy is used to visualize the divine word passes the main cause of the holiness of the art of calligraphy the subject of the holy word and numbers and letters and the pen is and the holy quran in the content of their truth has come in the religion of Christ church architecture and art-making are holy this did not cause the holiness of the importance of calligraphy but like the holy calligraphy of religion operating between Christ and islam there like the sanctity of the divine word in the bible and the quran and oqalam of science and letters and the importance of writing the similarities between islam and Christ is there such task of the nature of art and the arts this is the way of holiness Christian calligraphy can be proved because it is a tool for both the sanctity of religion is the same.

Keyword: *Christian art, Christian calligraphy, the holiness of the Christian calligraphy.*

مقدمه

رشد و توسعه هنر نگارش دنیای مسیحیت از دامان کلیسا آغاز شد زیرا این مهارت فقط در انحصار روحانیون بود و هنر زیانویسی برای آنها بیشتر جنبه حراست از کلام مقدس انجیل را داشت اما بعدها به دلیل فعالیتهای ترویجی مسیحیت به فن نوشتار نیاز بیشتری یافتند و این عامل باعث گردید تا متولیان آن بدون توجه به ماهیت معنا گرای این هنر، خط را توسعه دهند تا جاییکه شیوه های متداول خوشنویسی نزد جامعه فرهیخته اروپایی رایج گردید بعدها با تلاش هنرمندان صدر مسیح کم کم توجه صاحب نظران دین مسیحیت به مفاهیم دینی نوشتار کلام خدا جلب گردید و هنر زیبا نویسی همراستا با موضوع محتوای آن مورد توجه قرار گرفت و مهم شد مانند علوم راز امیز علم حروف و مفاهیم اعداد و ارتباط حروف و کلمات با انسان و طبیعت که در کنار تفسیر کتب مقدس باعث شد تا از ظرفیتهای این هنر استفاده های شایانی داشته باشند در این مقاله



سعی میشود تا پس از مرور سابقه نگارش مسیحیت به موضوع مهم تقدس این هنر اشاره کند و با استفاده از مولفه هایی که به هنر خوشنویسی اسلامی بار تقدس میدهد بارزه های تقدس گرایی هنر زیبانویسی مسیحی را هم اثبات کند و روش تحقیق کاملاً کتابخانه ایی و استفاده از منابع مطالعاتی فلسفه هنر و مبانی هنر مسیحیت و هنر مقدس میباشد.

مسیحیت و تقدس هنر خوشنویسی

همزمان با تحول نظری در باب تقدس کلام در آیین مسیح خط غربی بیش از همه توسط کلیساها رونق یافت زیرا راهبان آن را وسیله ایی برای ارتباط با خدا دانسته و عاملی جهت حفظ دین مسیح می دانستند و کلام مکتوب از قدرت خاصی برخوردار بود تا جایکه « عبارت های لاتین مانند (ورباولنت^۱ - اسکرپتا^۲ - ماننت^۳) به معنی کلام زود گذر است و نوشته ماندگار نشان از اهمیت خط و خوشنویسی بین مسیحیان دارد » (گاور، ۱۳۶۷: ۲۳۰) در دین مسیحی هنر زیبا نویسی بیشتر در جهت حفظ و احترام به کلام مقدس به کار می رفت و مباحث عرفانی مانند (بحث قلم - حرف - لوح) به مباحث ابن عربی اشاره می کند تا جایی که ریشه حروف عیسوی را از نفس رحمانی (نفس الهی) می دانند که به حضرت عیسی ع داده شده بود البته در گذشته خط سریانی بطور عمده خط ادبیات دنیای مسیح بود و تمام اسناد مذهبی به این خط نوشته می شد تا اینکه در قرن سوم میلادی متون مقدس از خط و زبان سریانی به یونانی ترجمه شد در رابطه با ریشه یابی تقدس خط مسیحی منقول است « در یکی از انجیل ها یا در یکی از کتابهای نصاری آمده فرشته ایی بنام (سیمورس) نوشتن سریانی را به همین گونه که نزد نصرانی ها متداول است به آدم آموخت » (ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۱۹) در واقع پس از اینکه در قرن ۵ م بابت قضیه ماهیت حقیقی مسیح، کلیسای سریانی به دو بخش نسطوری و یعقوبی تقسیم شد زبان سریانی هم منقسم و به این ترتیب دو سبک نوشتاری بوجود آمد و از آنجا که کلیسای نسطوری به جهت فعالیت های تبلیغی خود به خط خاصی نیاز داشت خط و زبان آنها هم به عنوان یک عمل دینی نشر یافت در واقع با گسترش و نشر و تبلیغ دین مسیح در قرون ۸ و ۷ م باعث گردید تا گونه های متداول خوشنویسی و خط شیوع یابد که منجر به ابداع یک نمونه

1- verba volent
2- scripta
3- manent



تزیینی این خطوط بنام سبک کارولنژی شد این خط بعدها مورد توجه درباریان اروپا قرار گرفت تا جایی که (هنری) شاه انگلیس به دلیل مهارت در خوشنویسی شهرت یافت میزان علاقه درباریان و حکام مسیحی به هنر خوشنویسی در دنیای مسیحیت سبب رشد گونه های متفاوت زیبا نویسی گردید در واقع تحت حمایت شارلمانی سبک نوینی در نوشتار بوجود آمد و در خدمت سازمانهای مذهبی قرار گرفت و تا ابداع خط گوتیک - انطیک - ایتالیک ادامه یافت و در نوشتن کتب مذهبی و غیر مذهبی بکار گرفته شد هنر خوشنویسی از اعتبار والای برخوردار بود و اساس آن نسخه برداری کتب مذهبی و تکثیر کلام مقدس انجیل است زیبایی نویسی از نشانه های فرهنگ و ادب و هنر بین عالمان دانشمندان و افراد متشخص جامعه مسیحیت بوده است که حتی سعی در ابداع و تکمیل گونه های نوشتاری داشتند تا جایی که زیبا نویسی پایه و اساس مدارس خوشنویسی دنیای مسیحیت شده بود بنا به گفته ابن ندیم « رومیان سه خط داشتند خط اول لیطون گویند یعنی آسان و نظیر خط وراقان است و با آن مصاحف مینوشتند و معروف به یریا از ملت روم یعنی (مقدس) میباشد و خط سوم آنها خط سوریطون است» (ابن ندیم , ۱۳۴۳ : ۲۶) همچنین به لحاظ درک زیبایی شناسی خطوط غربی می توان به گفته جرالديس کامبرنلیس رجوع کرد که در کیل دیر کتابی متعلق به قرن ۱۲ م دیده بود و اعتقاد داشت که فرشتگان آنها را با ظرافت ودقت درکنار هم قرار داده اند تا انسانها در واقع ترویج هنر خوشنویسی در تمام اروپا مورد توجه بود بطوریکه در اواسط قرن ۱۵ م (خوشنویسی ایتالیایی) به مدت ۱۵۰ سال از امتیازات شخصی محسوب گردید این حرفه وهنر در قرن ۱۹ م توسط پیشروان آن یعنی اون جونز معمار و ویلیام موريس شاعر مجددا احیا شد و مدارس خاصی برای آموزش اقلام متفاوت خوشنویسی لاتین مانند کارولین - گوتیک - لترآنیکا و.. دایر گردید تزیین نسخه های خطی توسط ویلیام گرلی هریت انجام گرفت و هنر تذهیب و طلا اندازی کتب مسیحی به حد اعلا رسید در اسلام و مسیحیت خط و نوشتار بطور ضمنی مفهوم دینی یافت و منظور مسیحیان از نوشتار متون مقدس به ثبت کلام مقدس باز میگشت که مانند مسلمانان متن انجیل را کلام الهی دانسته و مانند خط هیروگلیف که خط خدایان بود کلمات برای آنها اعم از اینکه آن را بخوانند و بفهمند یا نه قداست داشت کاتبان مسیحی بر خلاف کاتبان (میان رودان و مصر باستان) , خلاقیت های خاصی در کتابت داشته اند که ان هم جزو هنر خوشنویسی بود چیری که



درباره خوشنویسی اسلامی هم صادق است در حقیقت هنر خوشنویسی مسیحی مانند هنر اسلامی قداست معنوی داشت و به این سبب متون متفاوتی نگارش و تزئین می شد این مسئله درباره هنر خوشنویسی اسلامی هم صادق بود زیرا «در بسیاری از نقوش خطی اسلامی نوشته های معنا داری نیست و فقط نگاره ایی به شکل و ظاهر حروف الفبای عربی اند که گاهی بیانگر آرزوهای خوش اند و معنای آن به مفهوم دینی هم نیست و حتی شاید برخی مثل های دنیوی باشند» (الصدیق، ۱۳۸۳: ۱۵۸) در واقع سازمان بندی جدی و تقسیم کار دقیق پایه و اساس هنر خوشنویسی قرون وسطی اروپا بود و نوشتار فقط در اوقات رسمی ادعیه روزانه در دیرها متوقف شد و می بایست نسخه برداری براساس متون اصلی انجام می گرفت و این کار اغلب توسط زنان تارک دنیا انجام میگرفت و حتی به سفارش نجیب زادگان یا روحانیون بلند مرتبه از بهترین کاتبان برای کارهای مهم انتخاب می کردند و اگر راهبی خوشنویس به دلیل تفاخر در مهارت نوشتن متون مقدس نام خود را رقم می زد مجبور بود کار را متوقف کند و در صورتی مجاز به ادامه کار می شدند که بپذیرد هنرش فقط در خدمت خداوند و دین مبین است نتیجه تحول خط و کتابت در سوریه و فلسطین بیشتر بود و حتی به قلمرو دینی گسترش یافت و نمونه بارز آن کتاب عهد عتیق و زبان عبری است بین حروف الفبای فارسی و عربی و لاتین قرابتی وجود دارد زیرا در حروف فارسی - عربی به لحاظ شکل و فرم آن به اندام های انسانی تشبیه شده است و همینطور در «الفبای مشهور (شان فلوری) که توسط ژئو فرو اتوری ابداع شد مدلهای داوینچی و دورر همراه با احجام و اندازه و نسبتهای کالبدی انسان بکار رفته است» (ژان، ۱۳۸۶: ۱۳۷) این نوع ارتباط به تفکر یهود و اسلام (حروفیه) شباهت دارد و در آن به نسبت نزدیکی حروف با بخشی از اندام انسان و ارتباط آن با کائنات اشاره میکند. در الفبای عبری و لاتین هر حرف دارای دو مفهوم بود جمع اعداد حروف یک کلمه، شماره آن کلمه را معین می کرد و از نظر علم حروف دو کلمه نماینده یک عدد بودند و هم ارز تلقی می شدند مسیحیان از زمان بسیار قدیم (علم حروف) را برای تفسیر آیات کتاب مقدس به کار می بردند و در الهیات مسیحی علم حروف برای تفسیر گذشته و پیش گویی آینده به کار میرفت ابن عربی معتقد است «علم عیسوی علم حروف است از این روی بدو نفع و دمیدن داده شد و آن هوایی است که از درون قلبی که عبارت از روح حیات است خارج می گردد.. این هوا حروف را بوجود می



اورد بنابر این اعیان حروف آشکار شد» (ابن عربی، ۱۳۸۱: ۲۶۶) یکی از حکمای الهی مسیحی «تیربونگوس» در دوران لوتر زندگی می کرد، کتابی ۷۰۰ صفحه ای درباره ی عدد شناسی نگاشته است آنها مانند فیثاغورسیان اعداد زوج را به منزله اعدادی مونث و خاکی تلقی می کردند، و اعداد فرد برایشان غیر قابل حل و مذکر بودند و ماهیت آسمانی داشتند هر عدد با صفتی انسانی مشخص می شد مثلاً «یک» نماینده عقل بود، زیرا تغییر ناپذیر بود. «دو» نماینده عقیده بود، «چهار» نماینده عدالت بود، زیرا اولین مجذور کامل و حاصل ضرب دو عدد مساوی بود؛ «پنج» نماینده ازدواج بود، زیرا اتحاد اولین عدد مونث و اولین عدد مذکر تشکیل شده بود «یک» به عنوان عدد فرد تلقی نمی شد، بلکه آن را سرچشمه ی همه اعداد می دانستند و دعای فیثاغورسیان به چهار عدد مقدس (نماینده چهار عنصر آب و آتش و باد و خاک) خطاب می شد و ده مقدس را از چهار عدد اولیه ۱، ۲، ۳ و ۴ می دانستند و عقیده داشتند انسان به وسیله عدد و شکل می تواند به ماهیت گیتی پی ببرد در دنیای مسیحیت مدتها طول کشید تا اصطلاح خوشنویسی توسط آپولینر بوجود آید زیرا تا قبل از آن به خوشنویسی (نظم منقوش) می گفتند زیرا خط لاتین در قیاس با خط عبری و عربی و فارسی که هر دو نوعی خوشنویسی محسوب می شوند و یاد ر مقایسه با خط چینی نظام نوشتاری آن تن به خوشنویسی نمیداد زیرا چنان مستحکم شده بود که آزادی کامل برای هر نوع تحرکی را از دست داده و مدتها طول کشید تا بتوان در نوشتار غربی نوعی هماهنگی خوشنویسی بوجود آورد تا اینکه بعدها اشعار (سیماس رودسی) نخستین شاعر منظومه های قافیه دار با شکل متنوع ماهرانه نوشته شد و به شعر جاذبه ظاهری و بصری بخشید و خط تزئینی را بوجود آورد باور به تقدس حروف و منشا آن به خدا در بین تمام معتقدان مسیحی و حتی شاعران و نویسندگان آن بنوعی وجود داشت زیرا مثلاً «ویکتور هوگو در دفترچه یادداشت سفرها تمام حروف الفبای لاتین را به لحاظ ظواهر به یکی از آفریده های خدا نسبت می دهد مثلاً A سقف است سقفی سه گوش با میله عرضی و C هلال ماه و K نمایشگر تابش نور و L ساق پا و... و بنا بر این نخست خانه انسان - معماری - بدن و ساختمان و نقاط ضعف آن و سپس عدالت و موسیقی و چنگ و خرمن و هندسه و کوه و دیر و ستاره و کار و استراحت و... سرانجام مقصد و خداوند و همه چیز از محتویات حروف الفبا است» (ژان، ۱۳۸۶: ۲۰۲) از بین عناصر مقدس در باب کلام و حرف در هنر



خوشنویسی اعتقاداتی پیرامون کتاب - قلم و دوات در سنت مسیحی وجود دارد که تماماً راه به منشا قدسی ان می برد مثلاً علامت رمزی مسیح « در میان دو حرف الفبا و امگا است که نشانه های رمزی نهایت اند و صلیب و این حروف و دایره نمادی از مسیح به عنوان ترکیبی معنوی از عالم می باشد » (بورکهارت، ۱۳۶۷: ۶۵) در دنیای نوشتار مسیحی این اعتقاد وجود داشت که اسرار حروف و ارزش معنوی واژه ها سبب ایجاد ارتباط معنوی میشود زیرا حروف معنا را منتقل می کنند و زمانی کلمات شکل می گیرند که با حروف ارتباط یابند همچنین املائی حروف لاتین در گذشته بسیار مهم بود و کاربرد حروف صدا دار و بی صدا در کنار هم میتواند معانی گوناگونی را به همراه داشته باشد زیرا شناخت ریشه واژه ها باعث می شد تا خواننده به عمق واژگان رفته و از جهان معنی پرده بردارد علمای مسیحی معتقد بودند اینکار باعث میشود تا روح به عمیق ترین لایه های وجودی کشانده شود و بتواند هر واژه را دریابد و این مراحل با تمرین و به آرامی انجام میگرفت و آهنگ کلام با روح واژه ها ارتباط برقرار می نمود و خواننده با کلمات و لغات جدیدی روبرو شده و به این طریق به ماهیت کلمات پی می برد « حرف آلفا و امگا نخستین و آخرین حروف الفبای یونانی و نماد مسیحی از خداوند و به منزله آغاز و انجام همه چیز است » (هال، ۱۳۸۳: ۳) این حرف بر کتیبه های گوری دخمه های روم و نقاشی های رنسانس هم یافت می شود حروف در هم پیچیده که حروف اختصاری نام مسیح در یونانی است و صورتهای آن عبارتند از (I c و I h c) می باشد این حروف بطور گسترده درون تزئینات کلیساهای یونانی و لاتین قرن ۱۳ م بکار می رفت و از علائم انجمن گسترده مسیح است همچنین از برخی حروف به شکل نماد استفاده میشد مانند علامت لابرورم که از حروف نگاره (چی - رهو) ساخته شده و کنستانتین کبیر آن را بکار میبرد و تلفیقی از حروف یونانی چی - رهو حروف p و x است که نماد خوشبختی بود و این علامت به عنوان نماد مسیحی با حروف (آلفا و امگا) در هم آمیخت یکی از علوم ماورایی در تفکر معتقدین به اسرار حروف و اعداد علم (اسرار و رموز اعداد) است و آن علمی است که در گذشته از آن استفاده می کردند و در آموزه های آن معادل هر عدد حرفی لاتین قرار گرفته بود و معانی خاصی داشت در این علم از تاریخ تولد و نام کامل فرد استفاده می شد و مسیر آینده افراد از طریق شناسایی اعداد مرتبط با آن میسر بود به نظر آنها یازده عدد از ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۱-۲۲ اعدادی هستند که به نمودار این



4th INTERNATIONAL CONFERENCE on
ENGINEERING and HUMANITIES

20-21
July 2016

Odessa, Ukraine-2016

ICEH
Engineering and Humanities
EHCONF.COM

اعداد مربوط میشود هر کدام از اعداد مذکور ویژگی های متفاوت داشتند که با حروف الفبای لاتین مشخص می شوند در گذشته رومیان برای نمایش اعداد ۱-۵-۱۰-۵۰-۱۰۰-۵۰۰-۱۰۰۰ به ترتیب از حروف M-D-C-L-X-V-I استفاده می کردند (آگوستین) اعداد وارد شده در متون دینی را مقدس و رمزی می دانست و عدد به منزله صورت مثالی هستی مطلق پنداشته میشد و در حروف یونانی حرف (الف) همان آلفا و بعد بتا و سپس گاما و در نهایت دلتا به منزله اعداد ۱-۲-۳-۴ است « صاحب قاموس کتاب مقدس گوید: (الف) حرف اول از حروف ابجد عبری و یونانی است و حضرت مسیح ع بطریق استعاره و مجاز می فرمایند نم (الف) و (ی) ابتدا و انتها اول و آخر» (آقا شریف، ۱۳۸۳: ۲۳۴) در اندیشه مسیحی (خدای یگانه مبدا همه اشیا است) اما عدد ۲ نماد صلیب بوده و آن را همواره نماد مادیت در وحدت می دانند^۱ همچنین در سنت مسیحیت برای قلم ارزش ویژه ای قائل اند زیرا به نظر آنها « قلم و دوات شاخی نشانه چهار مبشر انجیل و اولیای مولفان و مدرسان مشهوری است که به سبب نوشته هایشان شهرت یافتند» (هال، ۱۳۸۳: ۱۷۱) کتاب و الواح برای دنیای مسیح نشانه عالمان بوده و نمادی از مبشران و حواریون و آباء کلیسا و مقدسین است و همچنین کتاب ممهور به هفت مهر حاوی رموز و سرنوشتی است که محتوی دستورات الهی بوده و در همان کتاب طومار نگهداری می شود این کتاب به منزله همان کتاب نخستینی است که با قلم الهی اولین بار نگارش شد تا بیانگر کل افعال هستی باشد طومار در هنر مسیحی نشانه پیامبران و مبشر انجیل است.

^۱ - در دو طرف درب ورودی معبد فراماسونری دو ستون برپا بود و ستون راست با علامت G-J تزئین میشد و علامت روح مذکر است و ستون چپ با حرف B مشخص میشود و نشان دهنده روح مونث است و به این دو ستون ستونهای ماه و خورشید می گویند (آقا شریف، ۱۳۸۳: ۵۷).



نتیجه

در اندیشه مسیحی، نور اولین مخلوق خداست و مقصود همان مسیح میباشد نوری که بواسطه آن تمام مخلوقات حیات گرفته اند و اولین تعیین و صدور از مقام احدیت پنداشته می شود این نور همان کلمه خدا برابر با روح خداست.

طبق تفکرات ذوقی و عارفانه ابن عربی، اول چیزی که خلق شد عقل بود -روح بود همچنین اول چیزی که منتقل شد نور است و این نور در وجود تمام انبیاء جریان داشته و همگی بیانگر این حقیقت ازلی اند که همان تجلی وجه یا صورت الهی هستند و تمام صفات و اسماء خداوند در وجود آنها جمع شده است از نظر مسیح نورالهی مکاشفت درونی هنرمند است که از وجود خدا ناشی می شود و تمام اشیاء هستی خود را از این نور به منزله لوگوس = کلمه ... گرفته اند و هنر همان ظهور و تجسد کلام خدا بر زمین می باشد سراسر تفکرات مسیحی در باب نورالهی در وجود حضرت مسیح ع به عنوان مجلای کلام خدا دور می زند و آنچه حیات دارد بواسطه کلام خداست در بررسی عوامل تقدس زای هنر خوشنویسی لاتین آنچه از اهمیت زیادی برخوردار است توجه به بحث کلام الهی در متون مقدس انجیل می باشد زیرا عقیده دارند کلام در عین ثابته خود از علم خداست که برای رسیدن به عالم دنیوی از عالم معنا گذشته و به اشکال لفظ و کلمات در آمده و در مظهری از زبان پیامبران قرار می گیرد و حقیقت کلام و زبان اظهار همان حقیقت نورالهی در وجود حضرت عیسی ع می باشد و حقیقت کلام الهی در باطن و محتوای آن قرار دارد که بصورت کلمات زمینی بیان می شود چه این کلمات صوت یا لفظ باشند. در اندیشه کاتب مسیحی تمام مخلوقات نموداری از تعیین همان حقیقت الهی هستند و همگی رو به سوی (واحد) اند و هر آنچه دیده میشود پدیده های خلقت اند و آیات و نشانه هایی از خداوند یکتا هستند و بنا به صور ظاهری خود درجاتی از آن تعیین بخشی (واحد) را نشان می دهند پس همه اشیاء و صور هنری مقدس بوده و به منزله قالب نگهدارنده و حافظ کلام الهی مناسب اند و مقدس می باشند زیرا خداوند به خاطر اسماء خود بود که تجلی را اظهار کرد و اساس رستگاری در دین مسیح را معرفت به ان می دانند چیزی که منجر به خویشتن شناسی می شود و کمال این اسماء در وجود خداوند نهاده شده است و هدف همه اشیاء و پدیده ها



رسیدن به همان نور مطلق یا نورالانوار است که به آن رستگاری کامل می گویند در اندیشه مسیحی آنچه می تواند به هنر زیبا نویسی حروف لاتین ارزشی قدسی بخشد محتوای معنوی (کلمه) یا (لوگوس) است که به عنوان آغاز همه چیز بکار می رود و در گذشته (کلمه خدا) را مساوی با (روح خدا) می دانستند (روح خدا = اولین تعین پروردگار) که می تواند یکی از پیامبران خدا باشد کلمه الهی لوگوس در شریعت اسلام همان نور محمدی و واسطه خلقت است و به منزله نور هستی است و شناخت خداوند مستلزم آشنایی با معانی باطنی کلمه در تفکر مسیحی است معانی باطنی لوگوس به مفهوم عقل اول همان نور الهی است و از آن قلم الهی خلق شد و تمام حروف مسیحی را با آن نگارش می کنند حروفی که اصلش در لوح محفوظ الهی است و آنچه دیده می شود و بکار می رود فقط صورت متجلی حروف ازلی است که اصلش در حروف و زبان نخستین قرا دارد (پدر - پسر - روح القدس) ۳ تثلیث اعتقادی مسیحی است که شاید مترادف با مراتب (احد - واحد - اعیان کثیره) باشد زیرا احد در مرتبه ازلی و ذات خود قرار دارد و تعین نمی پذیرد و در مرحله پسر (واحدیت) همان (لوگوس = کلمه... = حضرت مسیح) را حیات بخشید و روح القدس به عنوان واسطه ایی در تعین بخشی عوالم دخالت دارد و در این بین روح القدس یعنی جبرئیل حامل وحی الهی، کلام خدا را به زبان حضرت عیسی بیان نمود. هنر مسیحی با کلام الهی تکوین یافت و همه چیز در جهت تجسم بخشی به کلام خداداد وجود حضرت مسیح ع موجودیت می یابد و در این میان هنر کتابت متون مقدس (خوشنویسی لاتین) نمی تواند از نظر دور مانده باشد تا جایی که هنر نگارش این حروف در ثبت وضبط و نگهداری کلام مقدس جنبه تقدس ذاتی یافت و فقط روحانیون مذهبی کلیساها حق نگارش این متون را داشته و هنر آنها فقط در جهت خدمت به خدا و دین الهی مسیح ع قرار داشت.

در تفکرات مسیحی به لحاظ قداست حروف شباهتی با تفکرات جماعت حروفیه اسلامی و قبایل یهودی وجود دارد زیرا همگی معتقدند حروف با اندام انسانی و کائنات ارتباط مستقیم داشته و حروف برای آنها دو مفهوم باطنی و ظاهری دارد علم الحروف و نشانه شناسی باطنی حروف لاتین ریشه در حکمت الحروف عبری دارد و در الهیات مسیحی این علم برای تفسیر حوادث گذشته و آینده بکار می رفت تا جایی که ابن عربی معتقد است علم



عیسوی , علم حروف است و این حروف از روح حیات ناشی شده اند و این روح الهی است که حروف را آشکار می کند « کسی که حقیقت کن را دانسته علم عیسوی را می داند » (ابن عربی , ۱۳۸۱ : ۲۷۰) بگفته ابن عربی کلمات از حروف صادر شده اند و تمام حروف از هوا و هوا از نفس رحمانی بوجود می آید و این نفس رحمانی از همان اسماء الهی (الرحمان) ناشی شده است و علم عیسوی هم به ان اسماء می رسد زیرا حضرت عیسی ع با نفس رحمانی که خداوند به او عطا نمود به مردگان حیات بخشید و از این نفس رحمانی کلمات و حروف عیسوی بدست آمدند سراسر اندیشه متفکران مسیحی این باور وجود دارد که حروف الفبای لاتین به لحاظ ظواهر به یکی از آفریده های خدا شبیه است و رد یابی سابقه این اندیشه با بررسی و مقایسه اشکال ظاهری حروف لاتین با فرم های ابتدایی و تصویری آن از عصر باستان امکان دارد . مسیحیان برای حروف لاتین معانی باطنی قایل اند و در مباحث نماد گرایی حروف برخی از حروف و کلمات لاتینی را به حضرت عیسی ع نسبت می دهند مثلا (آ - a) را حرف اول دانسته و ان را به منزله کلام الهی می دانند که مستقیما در وجود حضرت عیسی ع تجلی یافت آنها معتقدند نزول کلام خدا از مقام احدیت به واحدیت فقط توسط مسیح ع انجام یافته است و (a-آ) نماینده ذات خداوند است که در مقام تعیین در مرتبه (واحدیت) , لوگوس را از نور خود آفرید و مسیح ع عامل خلقت شد پس در سلسله حروف (آ-a) ذات خداوند است و مسیح به منزله کلمه خدا که تجسم یافته است و اوست به حرف a رجعت می یابد حرف a همان خدا و مسیح است چیزی که می تواند همان (کلمه ...) - قلم الهی - نور الهی - عقل اول - لوگوس و حقیقت محمدیه باشد و معنای باطنی دو حرف (آلفا - امگا) یونانی , نماد مسیحی به مثابه خداوند (آغاز و انجام همه چیز) به این مفاهیم باز می گردد تمام حروف اشکال تغییر یافته اسماء الهی اند و با نفس الهی (الرحمان) خلق شده اند و عالی ترین حرف , (آلفا) در اندیشه مسیحی است و دومین حرف (بتا) که انجیل با ان آغاز می شود و حرف b الفبای مسیحی به منزله روح اعظم الهی یا حرف (ب) اسلامی است که در تعیین بخشی مخلوقات دست دارد و چنانچه گفته اند « b روح است » (آقا شریف , ۱۳۸۳ : ۵۷) پس a عقل است و از عقل , قلم الهی خلق می شود و این قلم از(خدا = حرف a) نور می گیرد تا بر(لوح هستی = روح) همه چیز را بنگارد (لوح و قلم) علامت مبشران مسیح در



4th INTERNATIONAL CONFERENCE on
ENGINEERING and HUMANITIES

20-21
July 2016

Odessa, Ukraine-2016

ICEH
Engineering and Humanities
EHCONF.COM

دوره صدر مسیح است و حواریون همواره در نقاشی آن دوران، قلمی در دست دارند همچنان بین حروف و اعداد لاتینی پیوستگی وجود دارد و در علم عیسوی از آن استفاده می کردند مثلاً حرف **a** برابر با عدد ۱ است و این عدد را نماینده عقل می دانستند همان عقلی که معرف عقل الهی است و همزمان با روح آفریده شد روح و عقل در اندیشه ابن عربی معادل لوح و قلم است و (حرف **a** = قلم الهی = لوگوس) بر لوح، روح را حیات بخشید و از روح حرف (**b**) وجه مونث هستی پس از اتحاد با وجه مذکر در امر آفرینش دخالت یافت این گفتار یادآور دو وجه ماده و روح (پراکرتی و پروشای) هندوی - یین و یانگ تائویی - قلم و لوح اسلامی - نور و تاریکی زرتشتی است که نشاندهنده ارتباط ماهوی تقدس هنر زیبا نویسی دینی است.

این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده با عنوان (خوشنویسی هنر مقدس از منظر ادیان) تهیه شده است که در خاتمه از زحمات و راهنمایی استادان ارجمند جناب دکتر بلخاری، استاد راهنما و جناب دکتر نعیمایی استاد مشاور م سپاسگزاری می کنم عمرشان پر دوام نامشان ماندگار و عزتشان مستدام باشد.

منابع و ماخذ:

- آقا شریف، ا، ۱۳۸۳، اسرار و رموز اعداد و حروف، مترجم شهید سعید محبی، تهران.
- ابن عربی، م، ۱۳۸۱، ترجمه فتوحات مکیه، مترجم محمد. خواجوی، نشر مولی، تهران.
- ابن ندیم، م، ۱۳۸۳، الفهرست، مترجم م.رضا تجدد، ابن سینا، تهران.
- الصدیق، ح، ۱۳۸۳، زیبا شناسی و مسایل هنر از دیدگاه ابوحنان توحیدی، مترجم غلامرضا. تهامی، نشرالمهدی، تهران.
- بورکهارت، ت، ۱۳۶۷، هنر مقدس اصول و روشها، مترجم جلال. ستاری، نشر سروش، تهران.
- بوصخر، ع، ۱۴۲۴ ه.ق، اسرار الحروف و الاعداد، دارالغدیر، قم.
- ژان، ژ، ۱۳۸۵، تاریخچه مصور الفبا و خط، مترجم اکبر. تجویدی، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
- شنکابی، م، ۱۳۸۱، بررسی تطبیقی اسمای الهی، نشر سروش، تهران.
- کوماراسوامی، آ، ۱۳۸۶، فلسفه هنر مسیحی و شرقی، مترجم امیر حسین. ذکرگو، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
- ماسون، د، ۱۳۸۵، قرآن و کتاب مقدس: درون مایه های مشترک، مترجم فاطمه سادات. تهامی، جلد ۲، نشر سهروردی، تهران.
- هال، ج، ۱۳۸۳، فرهنگ نگاره ایی نمادها در هنر شرق و غرب، مترجم رقیه. بهزادی، نشر فرهنگ معاصر، تهران.
- فدایی تهرانی، م، ۱۳۸۷، پایان نامه خوشنویسی هنر مقدس از منظر ادیان، کارشناسی ارشد هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ۲۱۰.